ISSN: 2538-4384; Geographical Researches. 2021;36(1):55-62. DOI: 10.29252/geores.36.1.55

GEOGRAPHICAL RESEARCHES JOURNAL

Effect of Iranian-Afghan Marriages on Socio-Economic Dimensions of Rural Quality of Life in Jiroft, Iran

ARTICLE INFO

Article Type
Original Research

Authors
Saeidi M.*[1] *MA,*
Mirlotfi MR.[1] *PhD*

How to cite this article
Saeidi M, Mirlotfi MR. Effect of Iranian-Afghan Marriages on Socio-Economic Dimensions of Rural Quality of Life in Jiroft, Iran. Geographical Researches. 2021;36(1):55-62.

ABSTRACT

Aims The spread of international migration and immigrants' marriages with the host community has had special effects on geographical spaces, especially the quality of life in rural areas. The aim of this study was to analyze the effect of marriages of Afghan men with Iranian women on socio-economic dimensions of their quality of life in rural areas of Jiroft.

Methodology This causal-comparative study was performed on 403 households in Band-e-Seraji, Lake, Chah-e-Afghan and Sandal villages of Jiroft city and 197 households were randomly selected for the study. Indicators in socio-economic dimensions of quality of life were examined in the framework of field studies. Kruskal-Wallis and linear regression tests were also used to analyze the data.

Findings The socio-economic quality of life of rural households of Iranian-Afghan couples was significantly different from Iranian couples ($p<0.0001$). The average index of the whole economic dimension in rural households with Iranian couple (3.52) was higher than rural households with Afghan-Iranian couple (2.15) and the coefficient of variation was lower in rural households with Iranian couple with lower than rural households with Afghan-Iranian couple. In the average general socio-economic status of quality of life, rural households of Iranian couple (3.11) had a more favorable situation than rural households with Afghan-Iranian couple (2.20).

Conclusion The socio-economic quality of life in rural households with Iranian couples is more favorable than rural households with Iranian-Afghan couples.

Keywords Afghan Refugees, Iranian-Afghan Marriages, Quality of Life, Rural Development

[1]Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Zabol University, Zabol, Iran

Correspondence
Address: Jamaran 21, Jamaran Boulevard, Jiroft, Iran. Postal Code: 7861659997.
Phone: +98 (34) 43351519
Fax: +98 (34) 43275058
msaeidi71@gmail.com

Article History
Received: August 12, 2020
Accepted: September 13, 2020
ePublished: March 18, 2021

CITATION LINKS

[Abbasi-Shavazi MJ, et al; 2015] Immigrant–native fertility differentials ...; [Akhlaghi A, et al; 2016] Emotional cold, immigrant feelings ...; [Jamshidiha GR, Anbari M; 2010] Social affiliation and its effects on the return ...; [Azlora L, et al; 2020] Local labour demand and immigrant ...; [Bllesteros BC, et al; 2012] Effect of modes of public services ...; [Borjas G; 2003] The labor demand curve is downward ...; [Burbor T; 2014] Immigrants and ways to transition from ...; [Dehghani A, et al; 2012] Measurement and study of quality of life ...; [Hatami Nejad H, et al; 2016] Assessing the quality of life of Afghan ...; [Heydari A; 2011] Study of quality of life indicators in rural settlements ...; [Isazadeh S, Jahanbakhsh M; 2012] Illegal immigration and Its economic ...; [Keshavarz Ghasemi H, Naderpour B; 2018] Explaining the consequences of migration ...; [Mahmoudian H; 2007] Afghan migration to Iran: Changes in ...; [Mayres D; 1987] Community-relevant measurement of quality ...; [Mirlotfi MR, Jahantegh HA; 2014] Analysis of the relationship between Afghan ...; [Mirlotfi MR, Jahantegh HA; 2018] Investigating the consequences of the sense ...; [Mirzaei H; 2014] Anthropological study of the linguistic ...; [Moinabadi H; 2009] Immigration and socio-cultural problems ...; [Ng IF, et al; 2015] Effects of perceived discrimination ...; [Nyberg-Sorensen N, et al; 2002] The migration–development nexus evidence ...; [Petra M, et al; 2018] Refugees' career capital welcome ...; [Poorahmad A, et al; 2014] Assessing the quality of urban ...; [Pourrohani S; 2014] Afghan immigrants in Iran ...; [Pourtaheri M, et al; 2011] Evaluation of quality of life in rural ...; [Ghasemi M, et al; 2017] A comparative study of the quality of life ...; [Sajadiyan N, et al; 2016] An analysis of urban quality ...; [Shaterian M, Ganjipour M; 2010] The impact of Afghan migration ...; [Van Kamp I, et al; 2003] Urban environmental quality and human ...; [Vosoghi F, Mohseni MR; 2016] A survey of Mashhad citizens' attitudes ...; [Vosoghi M, Hojjati M; 2012] Afghan immigrants in Iran and International ...; [Williams AM, et al; 2015] Immigrants' perceptions ...; [Wish NB; 1986] Afghan immigrants in Iran and Are we really ...; [Yazdanpanah Dero K; 2015] Study of marriage of Afghan ...; [Zarghani SH, Mousavi SZ; 2012] International migration and national ...

Copyright© 2021, ASP Ins. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-21]

اثر ازدواج‌های ایرانی-افغانستانی بر ابعاد اقتصادی-اجتماعی کیفیت زندگی روستایی در جیرفت

محبوبه سعیدی* MA
گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران
محمودرضا میرلطفی PhD
گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

چکیده
اهداف: گسترش مهاجرت‌های بین‌المللی و ازدواج‌های مهاجران با جامعه میزبان سبب ایجاد اثرات خاص در فضاهای جغرافیایی و به خصوص کیفیت زندگی فضاهای روستایی شده است. هدف پژوهش حاضر تحلیل اثر ازدواج‌های مردان افغانستانی با زنان ایرانی بر ابعاد اقتصادی-اجتماعی کیفیت زندگی آنها در مناطق روستایی شهرستان جیرفت بود.
روش‌شناسی: این پژوهش علّی-مقایسه‌ای در ۴۰۳ خانوار روستاهای بند سراجی، دریاچه، چاه افغان و کنار صندل شهرستان جیرفت انجام شد و ۱۹۷ خانوار به صورت تصادفی برای مطالعه انتخاب شدند. شاخص‌هایی در ابعاد اقتصادی-اجتماعی کیفیت زندگی در چارچوب مطالعات میدانی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کروسکال والیس و رگرسیون خطی استفاده شد.
یافته‌ها: کیفیت اقتصادی-اجتماعی زندگی خانوارهای روستایی زوج‌های ایرانی-افغانستانی با زوج‌های ایرانی تفاوت معنی‌داری داشت ($p<$۰/۰۰۰۱). میانگین شاخص کل بعد اقتصادی در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی (۳/۵۲) بالاتر از خانوارهای روستایی با زوج افغانستانی-ایرانی (۲/۱۵) و ضریب تغییرات نیز در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی پایین‌تر از خانوارهای روستای با زوج افغانستانی-ایرانی بود. در میانگین وضعیت کلی کیفیت اقتصادی-اجتماعی زندگی، خانوارهای روستایی زوج ایرانی (۳/۱۱) دارای وضعیت مطلوب‌تری نسبت به خانوارهای روستایی با زوج افغانستانی-ایرانی (۲/۲۰) بودند.
نتیجه‌گیری: کیفیت اقتصادی-اجتماعی زندگی در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی مطلوب‌تر از خانوارهای روستایی با زوج ایرانی-افغانستانی است.
کلیدواژه‌ها: مهاجرین افغانستان، ازدواج‌های ایرانی-افغانستانی، کیفیت زندگی، توسعه روستایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳
*نویسنده مسئول: msaeidi71@gmail.com

مقدمه

بسیاری از افغانستانی‌ها که قربانی جنگ با شوروی و جنگ‌های داخلی پس از آن بوده‌اند به ایران پناهنده شده‌اند؛ به طوری که ایران تا سال ۱۳۹۴ میزبان بیش از ۲/۳ میلیون نفر از مهاجران افغانستانی بوده است [Abbasi-Shavazi *et al.*, 2015]. آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۹۹% از مهاجران افغانستان به طور غیرقانونی از مرزهای شرقی کشور وارد ایران شده‌اند. این مهاجران علاوه بر اینکه در ابعاد مختلف فرهنگی، ازدواج، اشتغال، آموزش، بهداشت، ناهنجاری‌ها، جرائم، مسکن و غیره تأثیرگذار بوده‌اند، اکثراً غیرماهر بوده و در شغل‌های کم‌درآمد فعالیت دارند و این امر تأثیر مستقیم بر میزان درآمد و کیفیت زندگی آنان دارد [Isazadeh & Jahanbakhsh, 2012]؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که وجود مهاجران غیرقانونی افغانستان در ایران، باعث برهم‌خوردن توازن فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در برخی از مناطق شده است. علاوه بر این، طولانی‌شدن حضور افغان‌ها در کشور و پیوندهای سببی از طریق ازدواج با دختران ایرانی نیز باعث ایجاد مشکلات اجتماعی-اقتصادی شده است [Anbari & Jamshidiha, 2010]. کارشناسان؛ فقر اجتماعی، فقر فرهنگی و مالی، ناآگاهی، سوءاستفاده از احساسات خانواده‌ها و غیره در بعضی از خانواده‌های ایرانی را از دلایل اصلی این‌گونه ازدواج‌ها می‌دانند. به گفته آنها براساس ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی کشور، ازدواج زن ایرانی با اتباع خارجی بعد از سال ۱۳۸۰ را به کسب اجازه از طرف دولت موکول کرده و تنها به فرزندان این زنان شناسنامه تعلق می‌گیرد. بسیاری از این ازدواج‌ها ناموفق بوده و بر اثر فریب و شیادی اتباع خارجی صورت گرفته و نتیجه آن می‌شود که این دختران مدتی پس از ازدواج در آن سوی مرزها رها و یا شوهران آنان پس از مدتی به کشورشان بازمی‌گردند و آنها را با چند فرزند و مشکلات عدیده روحی-روانی و اقتصادی-اجتماعی به حال خود می‌گذارند [Yzdanpanah Dero, 2015]. مجموعه عوامل فوق باعث می‌شود تا میزان کیفیت زندگی خانواده‌های دو تابعیتی (ایرانی-افغانستانی) تقلیل یابد و اثرات سوء فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برجای گذارد. بر این اساس هدف از مطالعه حاضر بررسی نقش ازدواج‌های ایرانی-افغانستانی بر شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی کیفیت زندگی در روستاهای شهرستان جیرفت است.

در ارتباط با مهاجران افغانستان مطالعات فراوانی انجام شده است. به طور مثال *اخلاقی* و همکاران [Akhlaghi *et al.*, 2016] و *بوربور* [Burbor, 2014] به بررسی مشکلات عاطفی مهاجران در کشور ایران پرداخته‌اند. به نظر آنها مهاجران افغانستان در تأمین انتظارات و تأیید خود از سوی جامعه میزبان ناکام بوده‌اند و تغییر این وضعیت را غیرممکن می‌پندارند. *پورروحانی* [Pourrohani, 2014]، *محمودیان* [Mahmoudian, 2007] و *میرزایی* [Mirzaei, 2014] به بررسی اثرات مهاجرت و نیز میزان سازگاری فرهنگی-اجتماعی مهاجران افغانستان در جامعه ایران پرداخته‌اند. *کشاورز قاسمی و نادرپور* [Keshavarz Ghasemi & Naderpour, 2018] در تحقیق خود به تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران در شهر قزوین پرداختند و نتیجه گرفتند فاصله اجتماعی شدید میان افغانستانی‌ها و جامعه مورد پژوهش وجود دارد. *میرلطفی و جهان‌تیغ* [Mirlotfi & Jahantigh, 2018] در بررسی خود به پیامدهای حس تعلق مکانی مهاجران (افاغنه) فرامرزی بر کشور مقصد (مطالعه موردی: روستاهای مرزی سیستان)، پرداختند و نتیجه گرفتند که وجود افغان‌ها در این نقطه از ایران، باعث برهم خوردن هویت ملی و تعلق مکانی در روستاهای منطقه مرزی سیستان شده است. *حاتمی نژاد* و همکاران [Hatami Nejad *et al*, 2016] در پژوهش خود به سنجش کیفیت زندگی مهاجران افغان مقیم ایران با رویکرد ذهنی

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-21]

در روستای فیروزآباد پرداختند و نشان دادند کیفیت زندگی مهاجران افغان به لحاظ ذهنی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. *وثوقی و محسنی* [Vosoghi & Mohseni, 2016] در تحقیقی تحت عنوان بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت مهاجرین خارجی مقیم مشهد نشان دادند که بیشترین نگرش منفی شهروندان مربوط به متغیر آسیب‌های اجتماعی است اما نگرش پاسخگویان در زمینه متغیرهای اقتصادی به سمت مثبت میل نموده است. *پوراحمد* و همکاران [Poorahmad *et al.*, 2014] در پژوهش خود به سنجش کیفیت زندگی شهری مهاجران افغان مقیم ایران با رویکرد ذهنی در شهرستان رباط‌کریم پرداختند و نشان دادند شرایط کیفیت زندگی مهاجران در شهر رباط‌کریم پایین و کمتر از حد متوسط ارزیابی شده است. *میرلطفی و جهانتیغ* [Mirlotfi & Jahantigh, 2014] در مطالعه خود به تحلیل رابطه سکونت‌گزینی افغان‌ها بر توسعه اقتصادی-اجتماعی روستاهای مرزی سیستان پرداختند و نتیجه گرفتند که حضور افغانستانی‌ها در روستاهای سیستان باعث پایین‌آمدن سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی روستاها شده، به طوری که با افزایش تعداد افغانستانی‌ها در روستاها، سطح توسعه کاهش می‌یابد. *آزلورا* و همکاران [Azlora *et al.*, 2020] در مطالعه خود به تقاضای کار محلی و اشتغال مهاجران پرداختند و نشان دادند با توجه به حساسیت اشتغال پناهندگان در صورت انجام اقدامات جایگزینی تقاضای کار محلی، شانس اشتغال برای پناهندگان افزایش می‌یابد. *پترا* و همکاران [Petra *et al.*, 2018] در تحقیقی به استقبال از سرمایه شغلی پناهندگان افغان و سوریه در اتریش پرداختند و دریافتند که پناه‌جویانی که سعی در استفاده از سرمایه فرهنگی خوددارند با ناآشنایی از قوانین بازار کار با تهدید از بین رفتن شغل خود مواجه هستند. *ان جی* و همکاران [Ng *et al*, 2015] در پژوهشی به اثرات تبعیض بر کیفیت زندگی مهاجران چینی در هنگ‌کنگ پرداختند و دریافتند که متغیرهای اثر جمعی، حمایت اجتماعی و آمادگی برای مهاجرت از عوامل مهم در ارتقای کیفیت زندگی در بین مهاجران است. *ویلیامز* و همکاران [Williams *et al.*, 2015] در مطالعه‌ای به درک مهاجران از کیفیت زندگی در سومین شهرهای کانادایی پرداختند و نشان دادند که مسائل اشتغال، درآمد و موانع زبان به کاهش کیفیت زندگی مهاجران منجر شده است.

آثار مهاجرت‌های بین‌المللی در کشورهای میزبان از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا مهاجرت افغانستان‌های به ایران دارای آثار مختلف اقتصادی و اجتماعی در بخش‌های مختلف توسعه در سطح ملی است، در بخش اقتصادی؛ کاهش فرصت‌های شغلی، افزایش مالیات شهروندان کشور، پایین‌آمدن دستمزد، بیکاری نیروی بومی، محروم‌سازی ساختار جامعه، رکود قدرت اقتصادی کشور، افزایش هزینه‌های دولتی، افزایش قیمت مسکن، واکنش‌های ملی‌گرایان و خشم مردم کشور میزبان [Anbari & Jamshidiha, 2010; Mahmoudian, 2007] از مهم‌ترین آثار هستند. در بخش اجتماعی نیز می‌توان از آثاری همچون: افزایش جرائم اجتماعی (شرارت، قاچاق، سرقت و غیره)، ایجاد تصادم شدید فرهنگی میان بومیان و مهاجران، ایجاد تضادهای اجتماعی، برهم خوردن روابط سیاسی بین کشور میزبان و مهاجرفرست، ایجاد اقلیت‌های قومی در کشور میزبان و کاهش تسلط دولت بر امور جامعه [Moinabadi, 2009; Shaterian & Ganjipour, 2010] نام برد. همچنین برهم خوردن تعادل سیاسی کشور میزبان، بروز تهدیدات داخلی و خارجی علیه کشور میزبان، تهدید ثبات سیاسی کشور میزبان، تهدید جهت ایجاد جنبش‌های خودمختاری از سوی مهاجران [Zarghani & Mousavi, 2012] از دیگر آثار اجتماعی-سیاسی حضور مهاجرین است.

در خصوص مهاجرت‌های بین‌المللی بعضی از دیدگاه‌ها همچون کارکردگرایان، توسعه‌گرایان، نئوکلاسیک‌ها و نوسازی این پدیده را مثبت و گروهی از دیدگاه‌های دیگر مانند نئومارکسیست‌ها، مکتب وابستگی و تئوری سیستم‌های جهانی، مهاجرت بین‌المللی را منفی و این پدیده را به عنوان علت بسیاری از معضلات جامعه می‌دانند [Mirlotfi & Jahantigh, 2014].

افزایش نابرابری، مهاجرت، اضمحلال و ازهم‌پاشیدگی، ایجاد تورم (با ارسال پول)، مصرف‌گرایی، افزایش بیکاری، سقوط آداب و سنن، ناپایداری اقتصاد جوامع محلی و توسعه انسانی [Vosoghi & Hojjati, 2012] رکود بازار و سرمایه [Borjas, 2003] ازجمله آثار منفی این دیدگاه‌ها هستند. مبنای بسیاری از بدبینان به مهاجرت از قبیل نئومارکسیست‌ها، طرفداران مکتب وابستگی و تئوری نظام‌های جهانی بر تئوری اجتماعی ساختارگرایی استوار است [Nyberg-Sorensen *et al.*, 2002]] بنابراین بسیاری از دیدگاه‌ها تکیه بر آثار منفی مهاجرت در کشور میزبان دارند.

گرچه تاریخچه کیفیت زندگی به دوران ارسطو بازمی‌گردد، در دوران جدید نیز، فیلسوفانی چون کیرکگارد، ژان پل سارتر، مازلو و دیگران در بحث پیرامون حالات درونی شخص به آن توجه کرده‌اند [Wish,1986]. کیفیت زندگی به ارزیابی زندگی در تمام بخش‌های آن می‌پردازد و تحت‌تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد [Sajadiyan *et al.*, 2016] و برخی آن را به عنوان ترکیبی از به زیستی در ارتباط با عواملی مانند سلامتی، رفاه، آزادی انتخاب و همچنین در ارتباط با نیازهای اساسی‌تر مانند دسترسی به تغذیه، پوشاک، آب آشامیدنی، امکانات آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی و درآمد تعبیر کرده‌اند [Bllesteros *et al.*, 2012] بر این اساس کیفیت زندگی عبارت است از شرایط بهتر زندگی‌کردن که در آن توازن، هماهنگی و مطلوبیت و برابری عادلانه نهادینه شده یا زمینه‌های لازم برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آسایش، خلاقیت و زیبایی پدید آمده باشد [Pourtaheri *et al.*, 2011].

برای تبیین مفهوم کیفیت زندگی، مدلی با تأکید بر سه قلمرو اجتماع، محیط و اقتصاد و با مزیت مفاهیم زیست‌پذیری، کیفیت زندگی و پایداری در ارتباط متقابل با همدیگر ارائه شده است [Van Kamp *et al.*, 2003]. زیست‌پذیری نتیجه تأمین مطلوب محیطی

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-21]

و اجتماعی است و بیشتر از نظر زمانی، نگاه به حال حاضر دارد، اما پایداری بیشتر متأثر از جنبه‌های محیطی است که ازنظر زمانی نگاه به آینده دارد. در واقع، می‌توان حوزه‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی را به‌عنوان سه رکن اصلی کیفیت زندگی در نظر گرفت [Mayres, 1987]. در این راستا ساکنان روستاهای کم‌توان با تنگناهای مختلفی ازجمله: پایین‌بودن سطح مهارت و سواد، کمبود فرصت‌های شغلی، کمبود منابع آبی برای فعالیت‌های کشاورزی، پایین‌بودن سطح زیر کشت، کمبود درآمد و سرمایه، کارایی پایین ماشین‌آلات کشاورزی، عدم تنوع اقتصاد روستایی مواجه هستند که باعث کیفیت زندگی پایین شده است [Ghasemi *et al.*, 2017]. در مهاجرت‌های بین‌المللی و به ویژه اتباع افغانستان سال‌ها است که مسائل و مشکلاتی وجود داشته که ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانستانی یکی از مهم‌ترین آنها است. گرفتن تابعیت و شناسنامه و همچنین تسهیل در اقامت از یکسو و فقر اقتصادی خانواده‌های ایرانی در روستاها از سوی دیگر، علت بسیاری از این نوع ازدواج‌ها در مناطق روستایی است [Yazdanpanah Dero, 2015]. بازگشت اتباع افغانستان به کشورشان و روشن‌نبودن وضعیت تابعیت زنان ایرانی در کشور افغانستان سبب ماندگاری آنها در ایران می‌گردد. این مسئله باعث بروز مشکلاتی می‌گردد که اهم آن عبارتند از: آسیب‌های روحی و روانی، خودکشی (در اثر عوامل روانی، اقتصادی، عاطفی، طردشدگی، احساس بی‌هویتی و ناکامی و شکست در زندگی)، روی آوردن به بی‌بندوباری اخلاقی و بزهکاری اجتماعی، فرار از خانه (در اثر فقدان امنیت در خانه، بی‌هویتی، استرس‌های روحی، تهدید و طرد از طرف خویشاوندان)، احساس محرومیت نسبی؛ خشونت، پرخاشگری و عصیان [Heydari, 2011].

بررسی سابقه پژوهش نشان می‌دهد گرچه در زمینه اثرات مهاجرت و کیفیت زندگی مهاجران مطالعاتی انجام شده اما در زمینه بررسی اثر ازدواج‌های ایرانی-افغانستانی بر ابعاد اقتصادی-اجتماعی کیفیت زندگی روستاییان هیچ‌گونه مطالعه‌ای انجام نشده است. علاوه بر این، طلاق، بی‌هویتی در جامعه و عدم تحصیل فرزندان از جمله عواقب این‌گونه ازدواج‌ها هستند. به تبع این مسائل و پایدارنبودن خانواده، آثار بعدی آن را می‌توان در سطح خانوار و جامعه مشاهده نمود.

در همین راستا می‌توان به سطح پایین کیفیت اقتصادی-اجتماعی زندگی افغانستانی‌ها در نواحی روستایی نیز اشاره نمود. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر ازدواج مردان افغانستانی با زنان ایرانی بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی زندگی روستاییان جیرفت انجام شد.

روش‌شناسی

این پژوهش کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی مقایسه‌ای در سال ۱۳۹۶ در ۴۰۳ خانوار در ٤ روستای شهرستان جیرفت (بند سراجی، دریاچه، چاه افغان و کنار صندل) که دارای زوج ایرانی-افغانستانی بودند انجام شد. است اطلاعات جمعیتی با روش پیمایش و اطلاعات محلی (خانه بهداشت، شورا و دهیاری) به دست آمد [Statistics Center of Iran, 2016] و میانگین جمعیت افغانستانی‌ها در ۴ روستا معادل ۳۷% محاسبه شد (به‌ترتیب حدود ۲۵، ۳۰، ۸۰ و ۳۵% در هر روستا). اندازه نمونه تحقیق براساس فرمول کوکران ۱۹۷ خانوار برآورد و تعداد نمونه هر روستا براساس روش تخصیص متناسب برحسب درصد خانوار تعیین شد. با در نظر گرفتن تعداد نمونه محاسبه شده و میانگین خانوارهای ایرانی-افغانستانی در ٤ روستای مورد مطالعه، و تعداد ۷۳ نمونه از خانوارهای ایرانی-افغانستانی و ۱۲٤ نمونه ٦۳٪ از خانوارهای زوج ایرانی که در دسترس بودند، انتخاب شدند.

پس از بررسی پیشینه، مبانی نظری و دیدگاه‌های مرتبط با موضوع پژوهش، به انتخاب تعدادی از شاخص‌ها همت گمارده شد و پس از آن شاخص‌های انتخابی بومی‌سازی و منطبق با موضوع و سؤالات تحقیق، پرسش‌نامه طراحی شد و در نهایت برای تعیین اثرات ازدواج‌های افغانستانی-ایرانی بر سطح کیفیت اقتصادی-اجتماعی زندگی روستاییان شاخص‌هایی در قالب پرسش‌نامه‌های خانوار با شیوه تئوری و بنیادی تدوین شد (جدول ۱).

روایی پرسش‌نامه توسط ۱۰ نفر از کارشناسان خبره با تخصص اساتید گروه برنامه‌ریزی روستایی و کارشناسان توسعه روستایی تایید گردید. تایید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ در بُعد اجتماعی ۰/۸۱۷ و در بُعد اقتصادی ۰/۸۹ محاسبه شد.

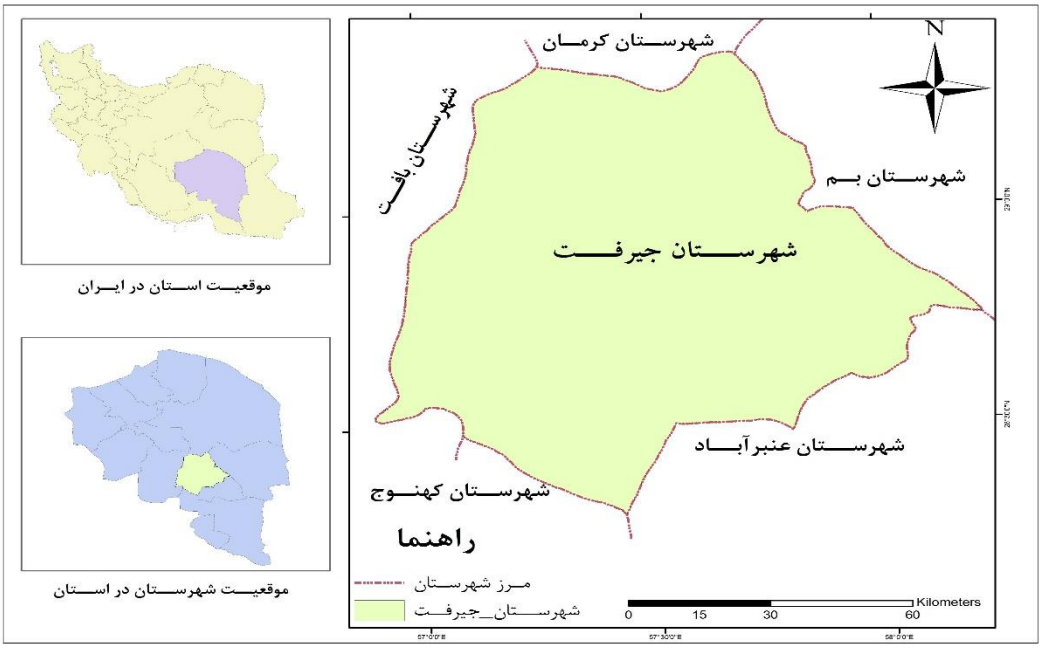
جدول ۱) ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای دارای زوج افغانستانی-ایرانی، [Pourtaheri *et al.*, 2017; Dehghani *et al.*, 2012]

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
اجتماعی	کیفیت آموزش	دارا بودن مدارس نوساز و باکیفیت مناسب، دسترسی آسان با زمان کم کودکان و نوجوانان به مدارس، داشتن معلمان خوب و باتجربه، وجود تجهیزات آزمایشگاهی مناسب در مدارس
	کیفیت سلامت و امنیت	مصرف هفتگی مواد پروتئینی (گوشت و ماهی) در برنامه غذایی، مصرف هفتگی میوه و سبزی‌ها در برنامه غذایی، بهره‌مندی از خدمات درمانی و بهداشتی (خانه بهداشت، درمانگاه، حمام)، دسترسی به پاسگاه پلیس در مواقع اضطراری، وجود اتحاد و انسجام و عدم نزاع و کشمکش میان ساکنان
	کیفیت اوقات فراغت	وجود امکانات مناسب ورزشی در روستا، وجود امکانات مناسب فرهنگی و هنری (کتابخانه) در روستا، توان انجام مسافرت سالانه به همراه خانواده
اقتصادی	کیفیت اشتغال و درآمد	رضایت از درآمد، امید به آینده شغلی، رضایت شغلی، داشتن سلامتی جسمانی برای انجام فعالیت، داشتن پس‌انداز مناسب

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-21]

این شهرستان با وسعت ۱۳۷۹۹ کیلومترمربع در محدوده جغرافیایی ′۵۶ و °۴۵ تا °۵۸ و ′۳۱ طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و بین مدارهای °۲۸ و ′۱۰ تا °۲۸ و ′۲۰ عرض شمالی قرار گرفته است (شکل ۱).

پس از جمع‌آوری داده‌ها، جهت تجزیه و تحلیل آنها از آزمون‌های آماری کروسکال والیس و رگرسیون خطی در قالب نرم‌افزار SPSS 21 و برای انجام تحلیل‌های فضایی از نرم‌افزار ArcGIS 10 استفاده شد.



شکل ۱) موقعیت منطقه مورد مطالعه

یافته‌ها

۱۲۴ نفر از نمونه‌ها (۶۲%/۹) مرد و حدود ۴۰% پاسخگویان در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و حدود ۳۰% در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال قرار داشتند. ۴۸/۴% پاسخگویان بی‌سواد (شدت بی‌سوادی در گروه زوج ایرانی-افغانستانی بیشتر بود) بودند. ۳۸/۸% سرپرستان خانوار، کارگر (بیشتر زوج ایرانی-افغانستانی)، ۳۳/۷% افراد کشاورز (بیشتر زوج ایرانی)، ۳/۱% مغازه‌دار و مابقی بیکار بودند (بیشتر در زوج‌های ایرانی). ۵۲% سرپرستان خانوارها درآمد ماهانه کمتر از ۲ میلیون تومان داشتند.

در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی، شاخص وجود اتحاد و انسجام و عدم نزاع و کشمکش میان ساکنان با میانگین ۳/۴۸، بالاترین میانگین را در بین شاخص‌ها داشت. بالاترین میانگین شاخص در کیفیت زندگی خانوارهای زوج ایرانی-افغانستانی دسترسی به پایگاه پلیس در مواقع اضطراری با میانگین ۳ بود.

جدول ۲) میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات کیفیت زندگی بعد اجتماعی در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی و زوج افغانستانی- ایرانی

شاخص	زوج ایرانی			زوج افغانستانی- ایرانی		
	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین
میزان دسترسی به مدارس نوساز و باکیفیت مناسب	۰/۲۰	۰/۴۷	۲/۳۲	۰/۳۸	۱/۰۳	۲/۷۱
میزان دسترسی آسان بازمان کم کودکان و نوجوانان به مدارس	۰/۳۱	۰/۷۴	۲/۳۵	۰/۴۹	۰/۸۱	۱/۶۴
داشتن معلمان خوب و باتجربه	۰/۴۰	۱/۲۹	۳/۲۲	۰/۳۴	۰/۹۹	۲/۸۵
میزان دسترسی به تجهیزات آزمایشگاهی مناسب در مدارس	۰/۳۱	۰/۸۶	۲/۷۱	۰/۴۲	۰/۹۲	۲/۱۴
میزان مصرف هفتگی مواد پروتئینی در برنامه غذایی	۰/۳۲	۰/۸۹	۲/۷۸	۰/۵۳	۱/۱۳	۲/۱۴
میزان مصرف هفتگی میوه و سبزی‌ها در برنامه غذایی	۰/۳۶	۰/۹۷	۲/۶۸	۰/۳۲	۰/۸۸	۲/۷۱
میزان بهره‌مندی از خدمات درمانی و بهداشتی	۰/۳۹	۰/۹۸	۲/۵۰	۰/۳۰	۰/۸۸	۲/۹۲
میزان دسترسی به پاسگاه پلیس در مواقع اضطراری	۰/۲۲	۰/۶۹	۳/۱۲	۰/۳۶	۱/۰۸	۳
وجود اتحاد و انسجام و عدم نزاع و کشمکش میان ساکنان	۰/۱۹	۰/۶۷	۳/۴۸	۰/۷۵	۱/۲۳	۱/۶۴
وجود امکانات مناسب ورزشی در روستا	۰/۲۷	۰/۶۴	۲/۳۵	۰/۴۹	۰/۸۱	۱/۶۴
وجود امکانات مناسب فرهنگی و هنری در روستا	۰/۲۸	۰/۶۴	۲/۲۵	۰/۴۹	۰/۸۱	۱/۶۴
میزان توان انجام مسافرت سالانه به همراه خانواده	۰/۳۲	۰/۸۹	۲/۷۸	۰/۵۲	۱/۱۳	۲/۱۴
میانگین شاخص‌های اجتماعی	۰/۱۶	۰/۴۳	۲/۷۱	۰/۳۸	۰/۹۹	۲/۲۶

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-21]

میانگین کل شاخص‌های بعد اجتماعی در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی (۲/۷۱) بالاتر از خانوارهای روستایی با زوج افغانستانی-ایرانی (۲/۲۶) و میزان ضریب تغییرات در خانوارهای روستایی زوج ایرانی کمتر از خانوارهای با زوج افغانستانی-ایرانی بود (جدول ۲). در کیفیت زندگی بعد اقتصادی خانوارهای روستایی، شاخص امید به آینده شغلی در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی بالاترین میانگین (۳) را به خود اختصاص داد، در صورتی که بالاترین میانگین در خانوارهای روستایی با زوج افغانستانی-ایرانی داشتن سلامتی جسمانی برای انجام فعالیت با میزان ۳/۰۷ بود و مابقی شاخص‌ها زیر ۳ بودند. میانگین شاخص کل بعد اقتصادی در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی (۳/۵۲) بالاتر از خانوارهای روستایی با زوج افغانستانی-ایرانی (۲/۱۵) و ضریب تغییرات نیز در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی پایین‌تر از خانوارهای روستای با زوج افغانستانی-ایرانی بود (جدول ۳).

جدول ۳) میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات شاخص‌های بعد اقتصادی خانوارهای زوج ایرانی و افغانستانی-ایرانی

شاخص	زوج ایرانی			زوج ایرانی-افغانستانی		
	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین
میزان رضایت از درآمد	۰/۲۱	۰/۸۳	۳/۸۳	۰/۵۹	۱/۲۳	۲/۰۷
میزان امید به آینده شغلی	۰/۲۰	۰/۸۰	۴	۰/۵۹	۱/۲۳	۲/۰۷
میزان رضایت شغلی	۰/۲۲	۰/۷۱	۳/۲۸	۰/۵۷	۱/۱۴	۲
میزان داشتن سلامتی جسمانی برای انجام فعالیت	۰/۳۱	۰/۷۴	۲/۳۵	۰/۳۵	۱/۱۰	۳/۰۷
داشتن پس‌انداز مناسب	۰/۱۹	۰/۸۱	۴/۱۶	۰/۵۷	۰/۹۱	۱/۵۷
میانگین شاخص‌های اقتصادی	۰/۱۷	۰/۶۵	۳/۵۲	۰/۵۷	۱/۱۰	۲/۱۵

کیفیت اقتصادی-اجتماعی زندگی خانوارهای روستایی زوج‌های ایرانی-افغانستانی با زوج‌های ایرانی تفاوت معنی‌داری داشت ($p<=0/0001$). روستای کنارصندل در کیفیت اقتصادی-اجتماعی دارای بالاترین میانگین (۳/۲۴) بود و روستاهای دریاچه (۲/۹۶)، بند سراجی (۲/۳۱) و چاه افغان (۲/۲۰) در رتبه‌های بعدی بودند. در میانگین وضعیت کلی کیفیت اقتصادی-اجتماعی زندگی، خانوارهای روستایی زوج ایرانی (۳/۱۱) دارای وضعیت مطلوب‌تری نسبت به خانوارهای روستایی با زوج افغانستانی-ایرانی (۲/۲۰) بودند.

معیارهای اجتماعی و اقتصادی وارد شده بر مدل رگرسیون به میزان ۶۵% از تغییرات کیفیت زندگی زوج‌های افغانستانی-ایرانی را تبیین کردند. با توجه به نتایج جدول ٤، متغیر اقتصادی از مدل نهایی برازش رگرسیونی حذف شد؛ شاخص‌های اجتماعی با ضریب ۰/۳۵۳ تأثیرگذاری بیشتری نسبت به شاخص‌های اقتصادی در کیفیت زندگی زوج‌های ایرانی-افغانستانی داشتند.

جدول ٤) نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری به سبک ورود برای پیش‌بینی کیفیت زندگی از طریق ابعاد اقتصادی و اجتماعی

متغیرهای پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P
مقدار ثابت	-۱/٤۷۱	۰/۳۲٦	-	-٤/٥۰۸	۰/۰۰۰
اجتماعی	۰/۳۸۳	۰/۵۲	۰/۳۵۳	۷/٤۰٤	۰/۰۰۰
اقتصادی	-۰/۰۳۲	۰/۵۵	-۰/۰۵۳	-۰/۵۸۸	۰/۵۵۷

بحث

تحقیق حاضر به منظور تحلیل اثر ازدواج‌های اتباع افغانستانی با بانوان ایرانی بر ابعاد اقتصادی-اجتماعی کیفیت زندگی آنها در مناطق روستایی شهرستان جیرفت انجام گرفته است. برای تشخیص بهتر سطح اثرگذاری این نوع ازدواج‌ها در شرایط یکسان مکانی، دو گروه از خانوارهای با زوج ایرانی و افغانستانی-ایرانی ساکن در روستاها مورد مطالعه انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که میانگین کلی و همه شاخص‌های ابعاد اجتماعی و اقتصادی سطح کیفیت زندگی خانوارهای با زوج ایرانی بالاتر از زوج‌های افغانستانی-ایرانی بود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از اثرگذاری بیشتر شاخص‌های اجتماعی (نسبت به شاخص‌های اقتصادی) بر کیفیت زندگی زوج‌های افغانستانی-ایرانی داشته است.

یکی از عواملی که کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد ارزش‌های فردی و اجتماعی است و در این راستا ویژگی‌های جامعه مهاجرین افغانستان به خصوص آنهایی که غیرقانونی در ایران با بانوان ایرانی ازدواج کرده و سکنی گزیده‌اند، باعث شده سطح بسیاری از شاخص‌های اجتماعی کیفیت زندگی را در نواحی روستایی پایین آورد. این موضوع را نه تنها نتایج تحقیق حاضر تأیید می‌کند بلکه نتایج تحقیقات *کشاورز قاسمی و نادرپور* [Keshavarz Ghasemi & Naderpour, 2018]، *پوراحمد* و همکاران [Poorahmad *et al.*, 2014] و *وثوقی و محسنی* [Vosoghi & Mohseni, 2016] *حاتمی نژاد* و همکاران [Hatami Nejad *et al.*, 2016] و *میرلطفی و جهان‌تیغ* [Mirlotfi & Jahantigh, 2014] و *ان جی* و همکاران [Ng *et al.*, 2015] نیز تأیید می‌نماید. البته تعدادی از تحقیقات دیگر نیز همچون *آزلورا* و همکاران [Azlora *et al.*, 2020] *پترا* و همکاران [Petra *et al.*, 2018] و *ویلیامز* و همکاران [Williams *et al.*, 2015] و بر اثرگذاری شاخص‌های اقتصادی بر کیفیت زندگی خانوارهای مهاجرین تأکید کرده‌اند.

برخلاف دیدگاه‌های مثبت در خصوص اثرات مهاجرت‌های بین‌المللی، نتایج بسیاری از تحقیقات قید شده فوق، با دیدگاه‌های منفی اثرات مهاجرت‌های بین‌المللی مانند نئومارکسیست‌ها، مکتب وابستگی و تئوری سیستم‌های جهانی همسو بوده است. این دیدگاه‌ها معتقدند اگر چه مهاجرت برای مهاجرین می‌تواند اثرات

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-21]

مثبت داشته باشد ولی آثار منفی اقتصادی-اجتماعی فراوانی بر جامعه میزبان تحمیل می‌نماید؛ بنابراین به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی که مهاجران دارند، ازدواج مهاجرین افغانستانی با زنان ایرانی در مناطق روستایی باعث اثر منفی بر ابعاد اجتماعی و اقتصادی کیفیت زندگی آنها شده است؛ و در صورتی که مهاجران پایبند مسائل اخلاقی نباشند و زندگی خود را مانند بعضی از مهاجرین رها سازند، این وضعیت به‌شدت بدتر خواهد شد. همچنین باید اذعان نمود که شرایط جغرافیایی فضاهای روستایی در پایین‌بودن سطح کیفیت زندگی این گروه از خانوارها چندان تأثیری نداشته است، چرا که در شرایط یکسان محیطی سطح کیفیت زندگی زوج‌های ایرانی بالاتر از زوج‌های افغانستانی-ایرانی بوده است.

بی‌سوادی، ترس از مشارکت در انجام تحقیقات و محیط زندگی نامساعد مهاجران افغانستانی و همچنین نبود اطلاعات در خصوص مهاجران از جمله محدودیت‌های انجام چنین تحقیقاتی است که به وضوح ارزش نتایج این تحقیق را بیشتر می‌نماید. با در نظر گرفتن اثر مسلم ازدواج‌های افغانستانی-ایرانی بر ابعاد اجتماعی-اقتصادی سطح کیفیت زندگی روستاییان و به تبع آن اثرگذاری بر میزان توسعه روستایی، چالش اساسی پیش روی محققان علاقمند به این چنین موضوعاتی، آن است که چگونه و با چه راهبردهایی می‌توان اثرات منفی این پدیده را تبدیل به اثرات مثبت برای توسعه روستایی نمود.

با توجه به نتایج تحقیق و برای ارتقای سطح کیفیت زندگی پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

ایجاد بانک اطلاعاتی مهاجران بین‌المللی و استفاده از آن در رخدادهای اجتماعی همچون ازدواج

بالابردن سطح آگاهی زنان ایرانی از پیامدهای اجتماعی-اقتصادی ازدواج با اتباع خارجی

نظارت فعال بر ازدواج‌های مهاجرین با اتباع ایرانی و ارائه قوانین حمایتی برای زنان ایرانی

ارائه خدمات فرهنگی-آموزشی و تقویت حمایت‌های اجتماعی برای انسجام و اتحاد بیشتر ساکنان روستایی

نتیجه‌گیری

در جوامع سنتی روستایی معمولاً ازدواج‌های درون‌فامیلی و درون‌طایفه‌ای است، لذا وقوع ازدواج‌های مهاجرین افغانستان با اتباع ایرانی حکایت از مشکلات عدیده درون‌خانوادگی زنان روستایی دارد. این‌گونه ازدواج‌ها نه تنها باعث پایداری خانوار نمی‌گردد، بلکه سطح کیفیت زندگی را نیز پایین می‌آورد. این موضوعی است که برنامه‌ریزان توسعه روستایی علیرغم توجه به تمام شاخص‌های اجتماعی توسعه، در طراحی برنامه‌های توسعه خود به آن توجه نکرده‌اند.

انجام این تحقیق به‌نوعی زوایای پنهانی از یک پدیده اجتماعی که می‌تواند بر سطح کیفیت زندگی روستاییان اثرگذار باشد را برای برنامه‌ریزان روشن ساخته است.

تشکر و قدردانی: در پایان نگارندگان بر خود لازم می‌دانند تا از تمامی کارشناسان، اساتید گروه برنامه‌ریزی روستایی و اهالی روستاهای مورد مطالعه که در انجام این پژوهش دخیل بوده‌اند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

تأییدیه اخلاقی: این مقاله و دستاوردهای آن حاصل پژوهش نویسندگان بوده و از صحت و اصالت برخوردار است.

سهم نویسندگان: محبوبه سعیدی (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی/نگارنده مقدمه و بحث (۵۰%)؛ محمودرضا میرلطفی (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی/روش‌شناس/تحلیلگر آماری (۵۰%).

منابع مالی: این مقاله مستخرج از رساله کارشناسی ارشد با عنوان بررسی نقش ازدواج‌های ایرانی-افغانستانی در کیفیت زندگی روستاییان شهرستان جیرفت با راهنمایی دکتر محمودرضا میرلطفی در دانشگاه زابل به پایان رسیده است.

منابع

Abbasi-Shavazi MJ, Hugo G, Sadeghi R, Mahmoudian H (2015). Immigrant–native fertility differentials: The Afghans in Iran. Asian and Pacific Migration Journal. 24(3):273-297.

Akhlaghi A, Yosefi A, Sadigh Orei GR (2016). Emotional cold, immigrant feelings about the host society based on the narratives of Afghan immigrants living in Mashhad. Iranian Social Issues Quarterly. 7(1):5-29.

Jamshidiha GR, Anbari M (2010). Social affiliation and its effects on the return of Afghan refugees. Journal of Social Studies. 23:43-68.

Azlora L, Piil Dammb A, LouiseSchultz-Nielsenc M (2020). Local labour demand and immigrant employment. Labour Economics. 63.

Bllesteros BC, Sanchez LMG, Lorenzo JMP (2012). Effect of modes of public services delivery on the efficiency of local governments: A two-stage approach. Utilities Policy. 26:23-35.

Borjas G (2003). The labor demand curve is downward sloping: re-examining the immigration on the labor market. Quarterly Journal of Economics. 118(4):1335-1374.

Burbor T (2014). Immigrants and ways to transition from feeling exiled: A study of theoretical approaches. Social Science Quarterly. 66:255-285.

Dehghani A, seydaie SA, Shafaghi S (2012). Measurement and study of quality of life indicators in nomadic settlement centers, nomadic settlement centers of Fars and Isfahan provinces. Journal of Applied Research in Geographical Sciences. 27:77-96.

Hatami Nejad H, Abdali Y, Alipuri A (2016). Assessing the quality of life of Afghan immigrants living in Iran with a mental approach (Case study: Firoozabad village). Quarterly Journal of Land Geography. 13(49):77-99.

Heydari A (2011). Study of quality of life indicators in rural settlements, case study: Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad provinces. Quarterly Journal of Housing and Rural Environment. 30(136):51-66.

Isazadeh S, Jahanbakhsh M (2012). Illegal immigration and Its economic consequences on host countries (with emphasis on Afghan immigrants in Iran). Socio-Cultural Strategy. 1(2):97-116.

Keshavarz Ghasemi H, Naderpour B (2018). Explaining the consequences of migration of Afghan citizens on

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-21]

North Khaveh rural district, Lorestan province). Human Geography Research. 76:13-31.
Ghasemi M, Omidvar N, Ashuri A, Nasimi Z (2017). A comparative study of the quality of life of rural immigrants to rural areas (case study: Tabadakan village of Mashhad city). Journal of Geography and Regional Development. 1(28):123-149.
Sajadiyan N, Nemati M, Damanbagh S, Shojaiyan A (2016). An analysis of urban quality of life indicators from the perspective of citizens (case study: Kianpars, Golestan and Ameri neighborhoods of Ahvaz). Social Development Quarterly. 6(18):187-213.
Shaterian M, Ganjipour M (2010). The impact of Afghan migration on the economic and social conditions of Kashan. Journal of Urban Research and Planning. 1(3):83-102.
Van Kamp I, Leidelmeijer K, Marsman G, De Hollander A (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts, a literature study. Landscape and Urban Planning. 65(1-2):5-18.
Vosoghi F, Mohseni MR (2016). A survey of Mashhad citizens' attitudes towards foreign immigrants living in Mashhad. Geographical Research Quarterly. 121(2):4-18.
Vosoghi M, Hojjati M (2012). International immigrants, participants in homeland development; study of Lar city. Iranian Journal of Social Development Studies. 4(2):23-39.
Williams AM, Kitchen P, Randall J, Muhajarine N, Newbold B, Gallina M, et al (2015). Immigrants' perceptions of quality of life in three second-or third-tier Canadian cities. The Canadian Geographer/Le Géographe canadien. 59(4):489-503.
Wish NB (1986). Are we really measuring the quality of life? Well-being has subjective dimensions, as well as objective ones. American Journal of Economics and Sociology. 45(1):93-9.
Yazdanpanah Dero K (2015). Study of marriage of Afghan immigrant men with Iranian girls and its social effects and consequences on the country based on the geography of crime and social harms. Women in Culture and Art. 7(3):343-358.
Zarghani SH, Mousavi SZ (2012). International migration and national security. Quarterly Journal of Strategic Studies. 59(1):7-26.
Iranian society. Geography Quarterly. 8(3):289-305.
Mahmoudian H (2007). Afghan migration to Iran: Changes in economic, social, demographic characteristics and adaptation to the destination society. Letter of the Iranian Sociological Association. 4:42-69.
Mayres D (1987). Community-relevant measurement of quality of life: A focus on local trends. Urban Affairs Quarterly. 23(1):110-130.
Mirlotfi MR, Jahantegh HA (2014). Analysis of the relationship between Afghan settlement and socio-economic development of Sistan border villages. Land Management Quarterly. 6(2):309-333.
Mirlotfi MR, Jahantegh HA (2018). Investigating the consequences of the sense of spatial belonging of transnational (Afghan) immigrants on the destination country (case study: Sistan border villages). Journal of Research and Rural Planning. 7(3):1-16
Mirzaei H (2014). Anthropological study of the linguistic identity of Afghan immigrants in Iran. Iranian Journal of Social Studies. 8(3):109-128.
Moinabadi H (2009). Immigration and socio-cultural problems of Qom. Research Journal of Qom Province. 5:201-234.
Ng IF, Lee SY, Wong WK, Chou KL (2015). Effects of perceived discrimination on the quality of life among new mainland Chinese immigrants to Hong Kong: A longitudinal study. Social Indicators Research. 120(3):817-834.
Nyberg-Sorensen N, Van her N, Engberg-pedersen P (2002). The migration–development nexus evidence and policy options. Geneva: International Organizatiion Migration Publictions.
Petra M, Eggenhofer-Rehart M, Latzke K, Pernkopf D, Zellhofer J, Steyrer J (2018). Refugees' career capital welcome? Afghan and Syrian refugee job seekers in Austria. Journal of Vocational Behavior. 105:31-45.
Poorahmad A, Ziyari K, Zahedi J (2014). Assessing the quality of urban life of Afghan immigrants living in Iran with a mental approach (Case study: Robat Karim city). Geographical Research on Urban Planning. 2(1):1-15.
Pourrohani S (2014). Afghan immigrants in Iran and citizenship. Journal of Public Administration and Governance. 4(4):1-11.
Pourtaheri M, Roknundin Eftekhari AR, Fattahi AA (2011). Evaluation of quality of life in rural areas (case study:

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-21]